این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

## نوشدارو ی نفس

**علامه سیدمحمد حسین طباطبایی(ره):**
در اینکه فرمود: «أَلا بِذِکْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» تنبیهی است برای مردم به اینکه متوجه پروردگار خود بشوند و با یاد او دل‌های خود را راحت سازند، چون آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری به سعادت و نعمت نداشته و بیمی جز از برخورد ناگهانی شقاوت و نعمت ندارد و تنها سببی که سعادت و شقاوت و نعمت و نقمت به دست اوست، همان خدای سبحان است. چون بازگشت همه امور به اوست و اوست که فوق بندگان و قاهر بر آنان و فعال ما یشاء و ولی مؤمنین و پناهندگان به اوست. پس یاد او برای نفسی که اسیر حوادث است و همواره در جست‌وجوی رکن وثیقی است که سعادت او را ضمانت کند و نفسی که در امر خود متحیر است و نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، مایه انبساط و آرامش است. آنگونه که نوش دارو مایه راحتی و آرامش مارگزیده است. همانطور که مارگزیده به نوش‌دارو رکون و اعتماد نموده، خود را به آن می‌رساند و پس از به کار بردن آنافانا احساس نشاط سلامتی و عافیت می‌کند، نفس نیز از یاد خدا این احساس را می‌نماید.
**منبع:** کانال تلگرامی «رسانه المیزان» به استناد ترجمه تفسیرالمیزان، جلد ۱۱، ص ۴۸۷

## قدرتمندترین انسان

کانال تلگرامی «آب و آتش» جمله‌ای از علامه محمد تقی جعفری را به نقل از صفحه ۱۶۵ کتاب «امام حسین شهید فرهنگ پیشرو انسانیت» به اشتراک گذاشت. علامه می‌فرمایند: قدرتمندترین افراد، کسی است که قدرت مالکیت بر خود را داشته باشد؛ اگرچه در این دنیا مالک هیچ چیزی نباشد. بالعکس اگر کسی مالک همه دنیا باشد، ولی از مالکیت بر خویشتن محروم باشد، چنین شخصی را باید ناتوان‌ترین اشخاص محسوب کرد.

## مصرف انرژی نیازمند آموزش شهروندی

محمدصادق عبداللهی در توئیتی نوشت: در فرانسه برای مواجهه با بی‌آبی حتی در حد منع مسواک زدن با شیر آب هم حاکمیت مداخله می‌کند، اما اینجا هنوز نتوانسته‌ایم به شهروندان بفهمانیم در این روزهای داغ خشکسالی حداقل با آب شرب حیاط خانه و کوچه را نشوریدا! مسئولان محترم فرهنگ و رسانه! مصرف انرژی نیازمند آموزش شهروندی است. دریابید.

## ایلان ماسک در اجلاس اقتصادی قطر چه گفت؟

حمیدرضا دهقانی در توئیتی نوشت: در اجلاس اقتصادی قطر، ایلان ماسک سخنان مهمی در سه جایگاه اقتصاد، سیاست و رسانه گفت. در مورد روابط اقتصادی‌اش با چین گفت: جای نگرانی ندارد. در مورد حمایت از ترامپ در انتخابات گفت: هنوز تصمیمی نگرفته‌ام. در مورد توئیتر گفت: حساب‌های جعلی یک مشکل است که باید برای آن راهی پیدا کنیم.

تصویر منتخب

تصویری از ماه | صفحه توئیتری «TheMoon»

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به خبر از سرگیری مذاکرات احیای برجام

# سیاست امریکا بعد از احیای برجام هم تغییر نمی‌کند

**سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست مطبوعاتی با اشاره به سفر جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از آغاز مذاکرات احیای برجام اشاره کرد و گفت: «هم زمان و هم مکان تقریباً مشخص است. یکی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس میزبان خواهد بود و طی روزهای آتی و در همین هفته این ملاقات انجام خواهد شد.» این خبر با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود و کارشناسان مختلف از نظراتشان در باب احیای مذاکرات و نکاتی که بایستی مدنظر قرار داد، گفتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران مرور شده است.**

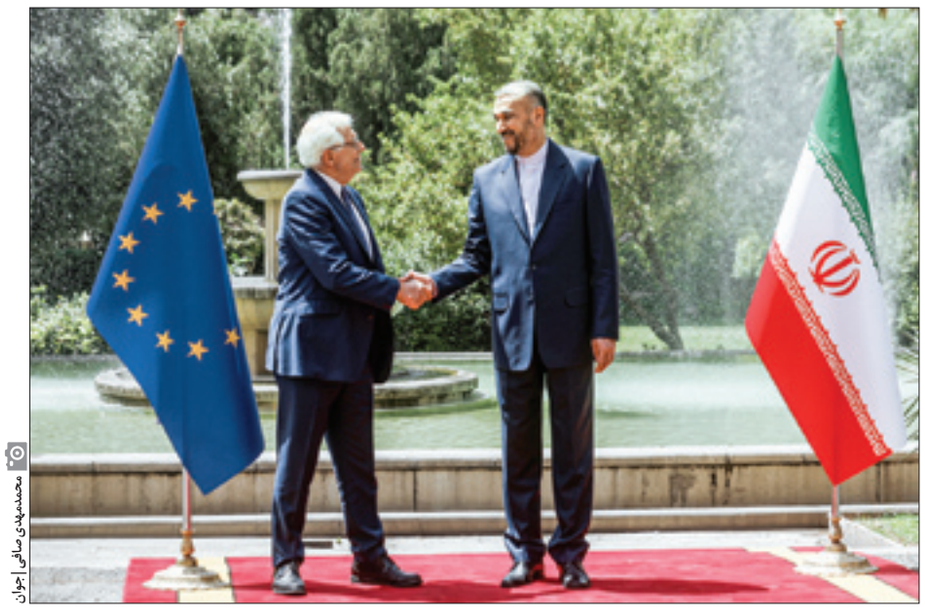

محمدمهدی صافی | جوان

**هادی محمدی:**
۱- مذاکرات تا آخر این هفته و احتمالاً در قطر خواهد بود؛ ۲- نمایندگان ۴+۱ حضور ندارند و گفت‌وگوها به صورت غیرمستقیم با حضور باقری از ایران، مورا از اروپا و مالی از امریکا انجام می‌شود؛ ۳- پیام‌ها به صورت مکتوب توسط مورا منتقل می‌شوند؛ ۴- مذاکره محدود به چند موضوع اختلافی میان ما و امریکاست.

**احسان تقدسی:**
مذاکرات قطر مثل مذاکرات وین خواهد بود. سطح مذاکره بالاتر از آن است که محل مذاکرات نقشی در تعیین سرنوشت آن داشته باشد. سطح خواسته‌های طرفین هم مشخص است. الان باید معلوم شود کدام طرف از خواسته خود کوتاه آمده است. #مذاکرات_هسته‌ای

**مهدی محمدی:**
هر نوع مذاکره در این روزها باید این نکته را عمیقاً در نظر داشته باشد که بایدن یک نسخه جدید از سیاست فشار حداکثری علیه ایران را نهایی کرده و در اجرای آن - با یا بدون توافق - تردید نخواهد کرد، در حالی که امریکا به تشدید فشار می‌اندیشد در تشخیص کار درست، باید بسیار سختگیر بود.

**مجید شاکری:**
امیدوارم قبل از مذاکرات عمان تیم مذاکره‌کننده ایران تقویت شود و وزن اقتصادی آن بالاتر رود. امیدوارم مانع از ارتباط پرونده برجام و منطقه شویم دست کم به لحاظ مدل تسویه. امیدوارم درک کنیم هر چه پیش روی ماست یک مرحله است نه یک دستاورد و باید برای فردایش آماده باشیم.

**احمد روستایی:**
در دولت یازدهم همه تمرکز روی بسته شدن توافق بود و تقریباً بعد از توافق خبری از برنامه‌های بهره‌برداری فوری و صیانت از توافق نبود. در نتیجه ۱۰۰ درصد ظرفیت‌های برجام استفاده نشد. حالا هم دولت باید به فکر فردای برجام باشد و گرنه صرف احیای برجام مشکل گشا نیست.

**امیرحسین ثابتی:**
تا امروز غربی‌ها چندبار برای احیای برجام و بازگشت ایران به این توافق استعماری ضرب‌الاجل مشخص کرده بودند، اما وقتی دیدند نتیجه نگرفتند مجبور به همراهی با تهران شدند. امروز هم بورل گفته برای شتاب دادن به مذاکرات به تهران آمدم! قطعاً عجله برای توافق، خواست غرب و به ضرر ایران است.

**رحمان قهرمان‌پور:**
سفر بورل به تهران و ادامه مذاکرات در عمان، یعنی مذاکره دو جانبه تهران و واشنگتن برای رفع اختلافات دو طرف. چیزی شبیه مذاکرات دو طرف در مسقط در سال ۹۰ اما با شکل و شمایلی متفاوت. آیا مذاکرات دو جانبه مقدمه توافق نهایی است یا مقدمه بازگشت به مذاکرات چند جانبه در وین؟

**دیاکو حسینی:**
انتخاب یک کشور خلیج‌فارس برای میزبانی آخرین دور مذاکرات و تأکید بورل به اینکه «گفت‌وگوی بعدی خارج از فرمت ۱+۵ انجام می‌گیرد»، جنبه‌ای نمادین به احیای برجام در ارتباط با تنش‌های منطقه‌ای می‌بخشد و شاید مقدمه‌ای باشد برای ادامه گفت‌وگوها با تمرکز بر این اختلافات.

**عبدالله گنجی در پاسخ به دیاکو حسینی:**
اگر «مذاکره در منطقه» به معنای «مذاکرات منطقه ای» است باید برای قرینه آن هم چنین مزیت نسبی یا حاشیه‌ای را یافت. چرا مذاکره در وین؟ حتماً باید علت حاشیه‌ای برایش یافت؟ جنابعالی که از پیش دستی در آتش داشتید باید بفرمایید مزیتی که وین انتخاب شده بود مثلاً مذاکرات حقوق بشری و موشکی بود؟

## رواج اسم‌هایی که تا حالا به گوش کسی نخورده!

کانال تلگرامی «ترجمان» یادداشتی را از جو پینسکر که در Atlantic به چاپ رسیده با ترجمه زهرا عاملی منتشر کرد. در ادامه خلاصه‌ای از این یادداشت را می‌خوانیم:
از حدود ۶۰ سال گذشته، نگرش والدین امریکایی به نامگذاری فرزندانشان عمیقاً تغییر کرده است. امروزه بسیاری از والدین به دنبال اسم‌هایی هستند که رواج کمتری داشته باشد تا به فرزندانشان کمک کنند بیشتر مورد توجه باشند، ولی در گذشته والدین معمولاً، آگاهانه یا ناآگاهانه، اسم‌هایی رایج انتخاب می‌کردند تا فرزندانشان هم‌نوایی بیشتری با بقیه داشته باشند.
در سال ۱۸۸۰، بر اساس تخمین واتنبرگ، حدود ۳۲ درصد از اسم‌های نوزادان جزو ۱۰ اسم رایج بود؛ در ۱۹۵۰ این رقم به ۲۸ درصد رسید و در سال ۲۰۲۰ از همیشه کمتر شد و به ۷ درصد نزول کرد. لورا واتنبرگ که مؤسس سایت مدهای نامگذاری نیمرولوژی است، می‌گوید: «ما کاملاً در عصر نامگذاری منحصربه‌فرد قرار گرفته‌ایم و حالا والدین گمان می‌کنند گذاشتن اسمی که بارز و شاخص به نظر برسد فضیلت است.»
در بخش اعظمی از تاریخ امریکا، افراد زیادی اسم فرزندانشان را از روی اسم فردی از شجره‌نامه‌شان و به نشانه احترام به او انتخاب می‌کردند و این کار سبب می‌شد برای مدتی طولانی همان اسم‌ها در چرخش باشند. این موضوع درباره پسربچه‌ها بیشتر صادق بود و در طول تاریخ، تنوع اسمی آنها از دختربچه‌ها کمتر بود، چون آنها با احتمال بیشتری نام خانوادگی‌شان را به ارث می‌بردند.
قطعاً پیشترها هم اسم‌های متفاوت وجود داشتند. آخرین دهه‌هایی که اسامی نسبتاً مشابه برای بچه‌ها انتخاب می‌شد به دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ برمی‌گردد. همان‌طور که واتنبرگ گفت، مثلاً در سال ۱۹۵۵ نصف بچه‌هایی که به دنیا آمدند با یکی از ۷۸ نام رایج آن سال نامگذاری شدند. در سال ۲۰۱۹ این رقم به ۵۲۰ نام رایج رسید. تمایل والدین به نامگذاری‌های مشابه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شاید به‌خاطر اثر یکپارچه‌سازی‌ای بود که رکود بزرگ و جنگ جهانی دوم به همراه داشت. کلیولند ایوانس، استاد ممتاز روان‌شناسی در دانشگاه بلویو و متخصص نام‌ها، به من گفت که این اتفاقات «باعث شده بود که افراد حس همبستگی با فرهنگ عمومی و کل کشور داشته باشند.» در دوره‌ای که ظاهراً مسیر رسیدن به موفقیت مسیری همگانی بود شبیه دیگران بودن چیز بدی به نظر نمی‌رسید.
با این حال نشانه‌هایی هم بود که نشان می‌داد مردم خسته شده‌اند از اسم‌هایی که اینقدر رایجند. ایوانس به آهنگی به نام «جان، جان، جان (به هر تام، دیک و هری‌ای می‌گویند جان)» اشاره کرد که در آن بیتی با این مضمون وجود داشت: «نمی‌توانیم بس کنیم و برای این پسربچه اسم جدیدی انتخاب کنیم؟.» این آهنگ خودش پیامی بود که از تغییراتی به سمت جدید و شاخص‌بودن اسم‌ها (که در دهه ۱۹۶۰ اتفاق افتاد) خبر می‌داد. این امر خودش برآمده از تغییرات بزرگ‌تری در زندگی روزمره بود. همانطور که فیلیپ کوهن جامعه‌شناس نوشته است، وقتی خانواده‌ها کوچک‌تر شدند و کودکان دیگر کار نکردند، «امریکایی‌ها کم‌کم به منحصربه‌فردبودن افراد چشم دوختند و فردیت به‌مثابه پروژه ایجاد هویت ظاهر شد (و شروع آن هم همین نامگذاری بود.)» در همین زمان، جامعه به‌سمت خودمانی‌ترشدن پیش می‌رفت و مردم کمتر همدیگر را با اسم‌های فامیلی صدا می‌کردند. همانطور که ایوانس هم اشاره کرد این مسئله باعث شد متمایزبودن اسم‌های خاص از همدیگر اهمیت بیشتری پیدا کند.
بر اساس گفته ایوانس یکی دیگر از مهم‌ترین تغییرات در دهه ۱۹۶۰ این بود که مردم کم‌کم به اطلاعاتی در مورد مدهای نامگذاری بچه‌ها دسترسی پیدا کردند. کتاب‌ها به والدین اطلاع می‌دادند که کدام اسم‌ها رواج بیشتری دارند (یا به عبارتی دیگر، چه اسم‌هایی سر زبان‌ها افتاده است که والدین باید از آنها حذر کنند.) ایوانس معتقد است هر چه که این اطلاعات بیشتر در دسترس عموم قرار گرفت والدین فشار اجتماعی بیشتری احساس کردند تا اسم‌هایی را که بقیه روی فرزندانشان می‌گذارند انتخاب نکنند، مبادا بعداً این‌طور به نظر بیاید که از مدهای زمان خودشان غافل بوده‌اند.
این الگو در دهه ۱۹۹۰ وقتی شدت گرفت که اداره تأمین اجتماعی رایج‌ترین اسامی کودکان را در وب‌سایتش منتشر کرد. (این کار با اقدامات مأموری دولتی به نام مایکل شکلفورد شروع شد. او کمی دلخور بود از اینکه با چنین اسم رایجی بزرگ شده بود، از این‌رو برای اولین‌بار داده‌هایی گردآوری کرد تا بتواند اسم فرزندانش را هوشمندانه‌تر انتخاب کند. بعدها این فکر به ذهنش خطور کرد که شاید این داده‌ها برای دیگران هم مفید باشند.)
اکنون فرآیند نامگذاری در امریکا در مرحله‌ای است که متمایزبودن فضیلت به‌حساب می‌آید که انحرافی است از مدل موفقیت در اواسط قرن گذشته: امروزه شما نه با یکنواختی بیشتر، بلکه با تمایزِ بیشتر به برتری می‌رسید. واتنبرگ در این رابطه به من گفت: «والدین درباره نامگذاری فرزندانشان همانطور فکر می‌کنند که شرکت‌ها درباره نامگذاری محصولاتشان، این فرآیند مانند نوعی رقابت بازاری است که در آن افراد باید بتوانند توجه دیگران را جلب کنند تا موفق باشند.» اکنون فرقی نمی‌کند که والدین اسم فرزندانشان را بر مبنای قابلیت جست‌وجوشدن در گوگل انتخاب کنند یا نه، در هر حال، موتورهای جست‌وجو و رسانه‌های اجتماعی توانسته‌اند طرز تفکر آنها را راجع به مزایا (یا مضراتِ) داشتن اسمی متفاوت با دیگر کاربران اینترنت تغییر دهند.
همه اینها ما را به عصر اسامی فوق‌العاده متنوع کشانده است. خودِ همین موضوع به‌نوعی نشانگر هم‌نوایی دیگری است: تلاش برای اینکه مثل بقیه نباشید باعث می‌شود عین بقیه باشید.

## عمر مدیریت دانشگاه در ایران و جهان!

حسین نصیری در توئیتی نوشت: در حالی میانگین عمر مدیریت دانشگاه‌ها در ایران حدود سه سال است که این عدد در دانشگاه‌های بزرگ دنیا بیش از ۱۰ سال می‌باشد. بماند که دانشگاه هاروارد در تاریخ ۳۸۶ ساله خود، فقط ۲۹ رئیس داشته، تازه این را هم در نظر بگیرید که تغییر برخی از روئسا به دلیل مرگ طبیعی بوده است!

## معضل اجاره‌بها با موعظه حل نمی‌شود

مصطفی زالی در توئیتی نوشت: صدا و سیما همچون گذشته می‌کوشد با تحریک احساسات موجران و دعوت به همدلی با مستأجران، معضل اجاره‌بهای مسکن را به امری اخلاقی فروکاسته با ارجاع مسئله‌ای از حکمرانی به وجدان اخلاقی فردی، نقص عملکرد دولت را جبران نماید؛ ارجاعی که خود مصداقی از درکی نادرست و معوج از مسائل حکمرانی است.

## زندگی پاک با ۵ حصر

صفحه اینستاگرامی «مشق‌های معنوی» یادداشتی کوتاه از مصطفی ملکیان را که در تاریخ ۸۲/۷/۷ نوشته شده، به اشتراک گذاشته است. ملکیان نوشته: به گمانم، برای داشتن یک زندگی پاک به پنج چیز حصر توجه باید کرد: الف) حصر توجه به فهم و تشخیص خود، به جای فهم و تشخیص دیگران؛ ب) حصر توجه به داوری‌هایی که خودمان در باب خود داریم، به جای داوری‌هایی که دیگران بر باب ما دارند؛ ج) حصر توجه به عیوب خود، به جای عیوب دیگران؛ د) حصر توجه به اکنون، به جای گذشته یا آینده؛ ه) حصر توجه به مسابقه با خود، به جای مسابقه با دیگران؛ امید می‌برم که در زندگی بتوانم به این پنج چیز حصر توجه یابم. مصلحت دید من آن است که یاران همه کار بگذارند و خم طره‌یاری گیرند.

## مؤلفه‌های نه گانه صمیمیت میان همسران

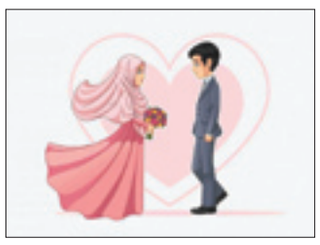

فاطمه رمضانی نوشت: صمیمیت یک نیاز واقعی است و از نیاز بنیادی‌تری به نام دلبستگی نشئت می‌گیرد. مؤلفه‌های نه گانه صمیمیت:
- صمیمیت عاطفی: سهیم شدن احساسات مثبت و منفی با همسر.
- صمیمیت روانشناختی: توانایی افشای موضوعات مهم و شخصی خود با همسر که بدین منظور باید ابتدا امنیت فرد در رابطه تضمین شده باشد؛ یعنی فرد ترس از طرد یا مسخره یا تنبیه شدن را نداشته باشد.
- صمیمیت عقلانی: در میان گذاشتن عقاید و افکار و باورهای خود با همسر، عنصر اصلی در ایجاد و نگهداری صمیمیت عقلانی توانایی نقش گزینی role-taking یعنی توانایی دیدن جهان از دریچه چشمان همسر می‌باشد.
- صمیمیت جنسی: در میان گذاشتن افکار و احساسات و خیال پردازی‌های جنسی با همسر.
- صمیمیت جسمی (غیرجنسی): نیاز به تماس جسمی و فیزیکی با همسر مثل گرفتن دست‌ها یا ماساژ دادن و...
- صمیمیت معنوی: در میان گذاشتن افکار، باورها و تجربه‌ها درباره موضوعات مذهبی و متافیزیکی و اخلاقی و معنای زندگی و رابطه با خدا و جهان بعد از مرگ و... با همسر.
- صمیمیت زیبایی شناختی: در میان گذاشتن احساسات، افکار، باورها، تجارب و ادراکاتی که فرد آنها را به دلیل زیبایی‌شان دوست دارد. موسیقی، شعر، نقاشی و تمامی فعالیت‌های هنری را می‌توان در این حیطه در نظر گرفت.
- صمیمیت اجتماعی و تفریحی: انجام فعالیت‌ها و تجربه‌های لذتبخش با یکدیگر چه اجتماعی و چه خانوادگی و چه فعالیت‌های دو نفره.
- صمیمیت زمانی: یعنی اینکه افراد چقدر دوست دارند برای همسر خود در زندگی زناشویی وقت صرف کنند. برخی افراد ۱۵ دقیقه را کافی می‌دانند و برخی دیگر دو تا سه ساعت زمان را نیاز دارند.

## کشف دنیایی ناشناخته در زیر قطب جنوب

مجله علمی ایلیاد نوشت: محققین اخیراً توانسته‌اند دنیایی ناشناخته را در زیر لایه‌های یخی قطب جنوب یا بهتر بگوییم سرزمین جنوبگان کشف کنند. در این دنیا موجوداتی ریز مشابه کرم و میگو وجود دارد.
دانشمندان این دنیای ناشناخته را در زیر لایه یخی لارسن در سرزمین جنوبگان کشف کرده‌اند؛ لارسن لایه یخی عظیمی است که به ساحل شرقی سرزمین جنوبگان چسبیده و در سال ۲۰۲۱ به‌صورت رسمی به عنوان بزرگ‌ترین کوه یخ رو زمین نامگذاری شد. تصاویر ماهواره‌ای شیار عجیبی را در لایه یخی لارسن نشان می‌دادند و به همین خاطر محققین بررسی‌های جدی‌تری روی آن انجام دادند و دریافتند که این شیار نشاندهنده وجود یک رودخانه زیرسطحی است. این محققین لایه یخ را با استفاده از آب داغ تا ۵۰۰ متر سوراخ کردند و به دنیای زیرسطحی سرزمین جنوبگان رسیدند.
محققین با فرستادن دوربین از درون سوراخ ایجاد شده در یخ توانستند موجودات زنده متعددی را در این دنیای پنهان مشاهده کنند. این موجودات به دسته‌ای از جانوران به نام «دوپایان» تعلق دارند. کشف این موجودات زنده در اعماق ۵۰۰ متری زیر یخ‌های جنوبگان نشان از وجود اکوسیستم مهمی در این مکان است.
محققین در گذشته این شک را داشتند که مجموعه‌ای از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها در زیر سرزمین جنوبگان وجود دارد، ولی تاکنون مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام نشده بود. در گذشته این تصور وجود نداشت که ممکن است حیات در اعماق سرزمین جنوبگان وجود داشته باشد. به گفته محققین کشف‌کننده این دنیای پنهان، دیدن و نمونه‌برداری از این دنیا مانند این است که به عنوان اولین نفر وارد یک دنیای جدید شوید.
کاوش در این دنیای جدید محققین را با شگفتی‌های دیگری نیز مواجه کرده است. به‌عنوان مثال آنها تصور می‌کردند یخ بالای این رودخانه زیرسطحی باید سطحی صاف داشته باشد، در صورتی که دوربین‌های فرستاده شده به درون این رودخانه نشان دادند، سقف آن ناهموار است و شیب‌های تند زیادی دارد.
بررسی‌های بیشتر نشان داده است که دنیای زیر لایه‌های یخ از چهار یا پنج جریان آب تشکیل شده است که هر کدام در جهت‌های مختلفی حرکت می‌کنند. به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر از این دنیای پنهان باعث می‌شود بتوان با دقت بالایی آن را مدلسازی کرد.
موضوعی که دانشمندان باید مطالعات بیشتری در مورد آن انجام دهند، چرخه غذایی در این دنیای پنهان است. آنها نگرانند که حتی این دنیاهای پنهان نیز از اثرات مخرب تغییرات اقلیمی در امان نباشد.

## آیا مغز انسان‌ها نسبت به گذشته کوچک‌تر شده است؟

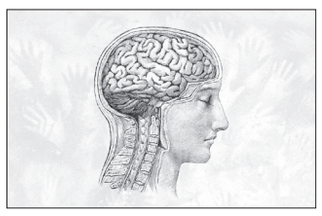

کانال تلگرامی «Modern Cogitation» نوشت: بیش از چند هزار سال است که مغز انسان در حال کوچک شدن است، اما دانشمندان عقیده دارند که این مسئله به مفهوم کند ذهن شدن نیست. البته برای این موضوع توجیه‌های مختلفی وجود دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.
نخست اینکه کوچک‌شدن مغز را در ارتباط با کوچک‌تر شدن کل بدن انسان به شمار بیاوریم. چه چیزی کاهش در اندازه بدن ما را توجیه می‌کند؟ این کاهش احتمالاً مربوط به گرم‌تر شدن زمین در ۱۰ هزار سال پس از پایان آخرین عصر یخبندان است. در شرایط سردتر، بدن‌های بزرگ‌تر مطلوب‌ترند، چون گرمای بیشتری نگه می‌دارند. هر چه انسان به سمت گرم‌تر شدن محیطش پیش رفت، دیگر نقش بدن او در حفظ گرما کمرنگ‌تر شد و در نهایت به‌سمت کوچک‌تر شدن می‌رود.
یک دلیل دیگر برای این کاهش این است که مغز از لحاظ انرژی بسیار هزینه‌بر است و اگر واقعاً نیاز نباشد، در اندازه بزرگ نخواهد ماند. این حقیقت که ما به‌صورت روزافزون در حال ذخیره کردن اطلاعات در منابعی همچون کتاب و کامپیوتر هستیم، به این معنا که احتمالاً بسیاری از ما می‌توانیم مغزهای کوچک‌تری داشته باشیم. برخی انسان‌شناسان می‌گویند مغزهای بزرگ‌تر گاهی حتی کارآمدی کمتری هم دارند؛ مثلاً در مورد انجام محاسبات سریع، به علت مسیر ارتباطی طولانی‌تر در ساختار مغز بزرگ‌تر.
شیوه زندگی نیز ممکن است اندازه مغز را متأثر سازد. برای نمونه حیوانات اهلی نسبت به همتایان وحشی خود دارای مغز کوچک‌تری هستند. آنها نیاز به توانایی اضافه مغز برای اینکه بتوانند از شکارچیان فرار کنند یا شکار کنند، ندارند. به‌طور مشابهی انسان نیز در حال اهلی شدن بیشتر است. برخی دانشمندان بر این باورند مغز کوچک شاید واقعاً حیوانات اهلی‌تر را نشان می‌دهد. برخی نیز بر این باورند که انسان در بیشتر موارد برای انجام کارهای خود روی ساختار جامعه تکیه می‌کند، بنابراین نیازی به فضای مغزی اضافه ندارد.